

# گوشه‌ای از موسیقی ارکستر

از حشمت سنجرى

رهبر ارکستر سنفونیک تهران



قرار بود که آقای حشمت سنجرى رهبر ارکستر سنفونیک تهران در برگشت از سفر هنرى موفقیت آمیز که سال گذشته با امریکا نمودشده‌ای از مشاهدات خود را بنخواندگان مجله موسیقی عرضه بدارد. متأسفانه سفر جدیدی که برای او پیش آمد این امر را اندکی بتعویق السداحت . چنانکه خوانندگان ما میدانند آقای سنجرى از چندی پیش جهت تکمیل مطالعات فنى خود در شهر «وین» بسر میبرد و مقاله‌ای را که قسمت اول آن در این شماره بچاپ میرسد نیز از همانجا برای ما فرستاده است .

هنگامیکه خاک ایران را بقصد امریکا ترک میگفتم از موسیقی آن سرزمین و موسیقیدانانش جزمستی تصورات مبهم و پراکنده که معلول خواننده‌ها و شنیده‌هایم در این زمینه بود چیزی در ذهن نداشتم .

مرا به امریکا دعوت کرده بودند تا کنسرت‌های سنفونیکشان را بشنوم و با رهبران ارکسترها و موسیقیدانان مشهورشان آشنا شده در سازمان ارکسترها و شیوة کار آنان مطالعه کنم و هر نوع مؤسسه‌ای را که بصورتی ربطی باموسیقی پیدا میکند در آنجا بشناسم .

اکنون که پس از گذشت ماهها به خاطرات این سفر و یادبودهای ذهنی خویش مراجعه میکنم برپایگی بسیاری از تصورات قبلی خود پسی میبرم و بطور کلی خود را ناچار از اعتراف بدین نکته می بینم که آنچه شنیدم و دیدم از آنچه می اندیشیدم بسی برتر و باارزش تر بود .

برای من که می پنداشتم صحنه‌های هنری امریکا صرفاً میدان فعالیت هنرمندان بزرگ خارجی است ، که سرزمین پهناور دنیای جدید را محیطی شایسته هنر خویش یافته اند ، شنیدن ساخته‌های گران ارزش آهنگسازان امریکائی و دیدن هنرمندی هنرمندان جوان آن سامان که برخی مقام و مرتبتی همپایه بزرگترین هنرمندان جهان داشتند بسیار تازگی داشت .

تعداد بیشمار ارکسترهای سنفونیک بزرگ و کوچک و گروه‌های بالت و اپرا با تشکیلات دقیق و وسیعی که داشتند و برنامه‌های متنوع و منظمی که در سراسر فصل اجرا میکردند ؛ ایستگاههای متعدد رادیوئی مخصوص بخش برنامه‌های موسیقی جدی و علمی که حتی آگهیهای تجارتنی نیز نداشتند ؛ کنسرت‌های مخصوص کودکان و جوانان که بمنظور پرورش ذوق هنری آنها و آشنا ساختنشان بموسیقی علمی اجرا میگردد ؛ و از همه مهمتر استقبال بینظیری که از طرف عموم طبقات مردم نسبت باین برنامه‌ها ابراز میشد همه از جمله مسائلی بود که با تصورات ذهنی من تفاوت فراوان داشت .

بیشک اگر بخوایم در اینجا از همه گفتنی‌ها ، حتی باختصار ، یاد کنم از حوصله صفحات این مجله خارج خواهد بود . از این رو به ذکر کلیاتی درباره ارکسترهای سنفونیک امریکا و فعالیت‌هایی که در زمینه موسیقی در آن کشور انجام میگردد و نقل چند خاطره از کنسرت‌های جالب و برخورد هائیکه با

هنرمندان بزرگ داشته‌ام! کتفا میکنم.



امروز درزندگانی هنری و فرهنگی امریکا موسیقی سنفونیک بپایه و مقام بلند رسیده است. افزایش عدهٔ ارکسترهای سنفیک، بویژه در طی چهل سال اخیر، نشانهٔ بارزی از ذوق هنری و بالا رفتن سطح درک موسیقی مردم امریکاست.

هم اکنون کشور امریکا دارای نهصد و شصت ارکستر سنفونیک است که در آن میان سی و سه ارکستر بزرگ که برخی از بهترین ارکسترهای جهان هستند میتوان یافت. پیداست که هستهٔ مرکزی هر یک از این ارکسترها راعلاقمندی جمعی از موسیقیدانان بمهکاری بایکدیگر پایه گذاری کرده است. نخست در هر نقطه تنی چند موسیقیدان و نوازنده، برای آنکه از موسیقی دسته جمعی لذت برند و روح نیازمند خویش را راضی کنند، گردهم جمع شده از کستری کوچک پدید آورده اند، آنگاه همین سازمانهای کوچک با کمک دوستان اران موسیقی و در سایه تشویق و تقویت آنان وسعت یافته بتدریج ارکسترهای کاملی گردیده اند.

وجود ارکسترهای بشمار درمدارس و دانشگاهها نیز نشان توجه و علاقمندی مردم بموسیقی است؛ آموزش موسیقی در این مؤسسات نخست بمنظور آماده کردن دانشجویان برای خواندن سرود آغاز گردید ولی کم کم تدریس سازهای گوناگون نیز معمول شد و مدارس بتدریج برای خود دارای ارکسترها و دسته‌های «ساز بادی» شدند و روز بروز بر عدهٔ آنها افزوده شد. در سال ۱۹۲۴ در پنج ایالت امریکا بر رویهم ۳۰ دستهٔ ساز بادی در مدارس بود ولی این رقم در سال ۱۹۳۱ به هزار و صد دستهٔ ساز بادی و هفتصد ارکستر در چهل و سه ایالت امریکا ترقی کرد و بدیهی است که بر قدرت نوازندگی و ارزش برنامه‌ها نیز بهمین نسبت افزوده شده بود. امروز در دانشگاهها و مدارس امریکا بیش از چهل هزار ارکستر وجود دارد که همه تقریباً دارای سازمان یک ارکستر سنفونیک کامل هستند و بر رویهم ازدوتا دومیون و نیم نوازنده دارند. روشن است که تربیت اینهمه موسیقیدان و نوازنده تا چه اندازه در تعمیم ذوق هنری و افزایش علاقه بموسیقی سنفونیک در میان

ملت امریکا مؤثر بوده و خواهد بود. عده‌ای از نوازندگان همین ارکسترها پس از پایان تحصیل به‌مکاری با ارکسترهای بزرگ مشغول شده‌اند چنانکه امروز شاید هیچ‌یک از ارکسترهای بزرگ را خالی از یک یا چند تن از این گونه نوازندگان نتوان یافت. جمعی نیز پس از فراغ از تحصیل بتدریس موسیقی در نقاط مختلف کشور پرداخته و خود کانون جدیدی برای تربیت جمعی دیگر شده‌اند و بقیه نیز اگر فعالیت‌های هنری در گوشه و کنار نداشته باشند مثلاً طرفداران وفادار و شنوندگان فهیمی برای کنسرت‌های سنفیک می‌باشند. کنسرواتوارهای بی‌شمار و مجهز در سراسر امریکا به تربیت موسیقیدانان حرفه‌ای مشغولند که مهمترین مدرسه‌های موسیقی جولیارد (Juilliard) و ایستمان (Eastman) و انستیتوی موسیقی کرتیس (Curtis) را باید نام برد. این کنسرواتوارها در رشته رهبری ارکستر نیز فارغ التحصیل‌هایی داشته‌اند که بیشک نقش بزرگی در اداره و ایجاد ارکسترها بازی کرده‌اند.

موسیقی سنفونیک از راه صفحات گرامافون و برنامه‌های رادیو و



ارکستر «فیلارمونیک سنفونی» نیویورک

و تلویزیون نیز در دسترس عموم قرار دارد و بدین ترتیب حتی در دور افتاده‌ترین نقاط کشور که ساکنین آن توفیق شنیدن کنسرت‌های بزرگ سنفونیک را نمی‌یابند امکان آشنائی مردم به این نوع موسیقی موجود است.

از اقدامات مهم و جالبی که در امریکا برای پخش موسیقی سنفونیک از رادیو انجام گرفت تشکیل ارکستر مخصوصی برای ایستگاه رادیویی N. B. C بود (۱۹۳۷). برنامه‌های رادیویی این ارکستر که توسکانینی

بزرگ آنرا رهبری میکرد در همان بدو تأسیس بوسیله یکصد و ده ایستگاه رادیوئی دیگر در سراسر امریکا نقل و پخش میشد و بیش از چهار میلیون نفر شنونده داشت. امروز نیز بسیاری از کنسرت‌های ارکسترهای بزرگ و کوچک امریکا بوسیله ایستگاه‌های رادیوئی پخش میشود که در آن میان باید از کنسرت‌های بعد از ظهر شبانه ارکستر «فیلارمونیک سنفونی نیویورک» که بیش از ده میلیون شنونده دارد یاد کرد.

در آغاز کار در برنامه‌های موسیقی رادیو بندرت یک اثر سنفونیک را بطور کامل اجرا میکردند و بیشتر بقطعاتی که بگوش مردم آشنا تر بود میپرداختند ولی امروز برنامه‌های سنفونیک رادیو از نظر ارزش با برنامه‌های کنسرت‌های سنفونیک تفاوت ندارد. در نتیجه همین برنامه‌های رادیوئیست که ارکسترهای بزرگ، که سابقاً ضمن مسافرت بنه ط مختلف کشور ناچار از اجرای قطعات ساده برای مردم بودند، امروز میتوانند برای شنوندگان خود که وسعت فہم بیشتری یافته اند برنامه‌های جدی تر و با ارزش تری اجرا کنند.

در ابتدای پیدایش رادیو و تلویزیون تصور میرفت که مردم با استفاده از این دستگاهها کمتر بدنبال صفحات موسیقی و کنسرت‌ها خواهند رفت ولی امروز بی اساس بودن این فرضیه کاملاً آشکار شده است زیرا رادیو و تلویزیون با ایجاد علاقه بیشتر به موسیقی و پرورش ذوق مردم مشتریان بیشتری برای صفحات موسیقی و کنسرت‌های سنفونیک فراهم کرده اند. چنانکه در سال گذشته قریب به ۹ میلیون صفحات سنفونیک در امریکا بفروش رفته است و هم اکنون نمونه های بیشمار از خانواده‌هایی که مجموعه‌ای مجهز از صفحات موسیقی سنفونیک برای خود گرد آورده اند در آن کشور میتوان یافت.

هولیوود نیز در این میان بیکار نمانده و بر اثر علاقه مردم دست تهیه فیلمهای مخصوصی از ارکسترهای بزرگ و اجرای قطعات معروف سنفونیک زده است که برای نمایش در مدارس و کنسرت‌های مخصوص کودکان از آنها استفاده میشود.

برنامه‌های کنسرت برای کودکان و جوانان روز بروز در امریکا معمولتر میشود و جای مهمتری در برنامه‌های ارکسترهای سنفونیک باز میکند. بی‌استثنا تمام ارکسترهای بزرگ و کوچک امریکا کم و بیش دارای



«جرج کایسر» مدیر اداری ارکستر سنفونیک شیکاگو در باره ارکستر کودکان توضیحاتی میدهد.

برنامه‌هایی از این نوع میباشند. در اینگونه کنسرتها قبلا رهبر ارکستر یا شخص دیگری برای آشنا ساختن شنوندگان جوان بقطعاتیکه در برنامه گنجانیده شده صحبت میکنند و گاهی نیز بانمایش فیلمهای مخصوص سازها وتشکیلات ارکستر را معرفی مینمایند. معمولا به شنوندگان توصیه میشود که هر یک دفتری همراه داشته باشند و از مشاهدات و مسموعات خویش یادداشت‌هایی بردارند و اغلب در پایان فصل کنسرت به صاحبان دفترهایی که خوبتر تنظیم شده باشد جایزه‌هایی داده میشود. مدارس بلیطهای بسیار ارزان این کنسرتها را به شاگردان خود میفروشند و کودکان همراه با آموزگاران و یا بستگان خود به تالار کنسرت میروند.

فستیوالهای موسیقی تابستانی و کنسرتهاى «Pop» نیز در امریکا بحد

و فور انجام می‌گردد. این کنسرتها، یا کنسرت‌های عمومی، کنسرت‌هایست که در فصل تابستان با بلبط‌های ارزان تری اجرا می‌شود و برنامه‌های آن از قطعات موسیقی نسبتاً سبکتر انتخاب می‌گردد. در میان اینگونه کنسرتها، کنسرت‌های «Pop» ارکستر سنفونیک بوستون بسیار معروف است.



چنانکه گذشت در امریکاسی‌وسه ارکستر بزرگ سنفونیک وجود دارد و بی‌تردید هیچیک از کشورهای جهان، چه از نظر شمارش مطلق ارکسترها و چه از نظر تناسب با جمعیتشان، دارای این اندازه ارکسترهای طراز اول نمی‌باشند.

ارکسترهای بزرگ امریکا را میتوان بچهار دسته تقسیم کرد:

دسته الف - پنج ارکستر درجه یک: ارکستر فیلارمونیک سنفونی نیویورک - ارکستر سنفونیک بوستون - ارکستر سنفونیک شیکاگو - ارکستر فیلادلفی - ارکستر سنفونی آف دی ایر (The Symphony of the Air) که همان ارکستر سابق N. B. C. است.

دسته ب - ارکسترهای درجه دو نظیر: ارکسترهای سنفونیک سن - سیناتی، کلیولند، مینیا پولیس، سانفرانسیسکو، فاشنل سنفونی واشینگتن، ارکستر فیلارمونیک لوس آنجلس و غیره.

دسته ج - ارکسترهای درجه سه نظیر: ارکسترهای سنفونیک ایندیانا - پولیس، کانزاس سیتی، بتزبورگ، نیوارک و غیره.  
دسته د - ارکسترهای درجه چهارمانند: ارکسترهای سنفونیک بو فالو، آلبانی، فال ریور، پسیلووانیا و غیره.

قدیمی‌ترین ارکستر امریکا ارکستر «فیلارمونیک سنفونی نیویورک» است و پایه گذاری آن از سال ۱۸۴۲ با تاسیس «انجمن فیلارمونیک نیویورک» آغاز شده است. تا سال ۱۸۴۲، بر اثر وجود اپراها و تئاترها و انجمنهای مختلف موسیقی، عده‌ای از نوازندگان حرفه‌ای در نیویورک گرد آمده بودند و بدین ترتیب مقدمات تشکیل یک ارکستر ثابت فراهم شده بود. این ارکستر، «فیلارمونیک نیویورک» نام گرفت و نخستین کنسرت خود را

در هفتم دسامبر ۱۸۴۲ اجرا کرد و در برنامه آن سمفونی پنجم شپوفن  
نواخته شد.

از رهبران برجسته قدیمی این ارکستر تئودر توماس (Theodore Thomas)  
را باید نام برد. وی پس از بیست و سه سال نوازندگی در همان ارکستر  
در سال ۱۸۷۷ بمقام رهبری رسید و تا سال ۱۸۹۱ که برای تاسیس ارکستر  
سمفونیک شیکاگو بدان شهر رفت در این سمت باقی بود. توماس موسیقیدانی  
با ارزش و مردی بسیار فعال بود و شاید بیش از هر کس بتوسعه و پیشرفت  
کنسرت‌های سمفونیک در آمریکا کمک کرده باشد. در میان رهبرانی که  
پس از وی این ارکستر را اداره کرده‌اند باید از شخصیت‌های معروفی نظیر  
هانری وود (Henry Wood) ادوارد کلن (E. Colonne) منگلبرگ  
(Mengelberg) ریشارد اشتراوس (R. Strauss) فلیکس وینگارتنر  
(F. Weingartner) گوستاو ماهلر (G. Mahler) ویلیام فورتونگلر  
(W. Furtwengler) و آرتور تو سکائینی یاد کرد.

ارکستر کنونی «فیلارمونیک سمفونی نیویورک» چنانکه اذنام آن



«توسکائینی»

پیداست مخلوطی ازدو ارکستر است. این اختلاط در سال ۱۹۲۸ صورت  
گرفت و ارکستر فیلارمونیک قدیمی با ارکستر پنجاه ساله «سمفونیک نیویورک»  
درهم آمیخت.



سنفونیک نیویورک در سال ۱۸۷۸ بوسیله لئوپولد دامروش (L. Damrosch) تاسیس شده بود و بعد بر اثر مساعی والتر دامروش که بجای پدرش برهبری ارکستر رسیده بود وسیعتر گشته شهرت و محبوبیتی خاص یافت .. در سال ۱۸۹۱، ضمن یک فستیوال بزرگ موسیقی که «سنفونیک نیویورک» نیز در آن شرکت داشت کارنگی هال (Carnegie Hall)، که تازه ساختمانش پیاپیان رسیده بود، به این ارکستر اهداء شد. چایکوسکی نیز بهمین مناسبت به امریکارفته و در کارنگی هال ارکستر «سنفونیک نیویورک» را رهبری کرد. سال بعد این ارکستر در نخستین کنسرت پادروسکی در امریکاشرکت کرد. در سال ۱۹۲۰ ضمن مسافرتی به اروپا یکرشته کنسرت برهبری والتر دامروش اجرا نمود و این کنسرتها که برای نخستین بار توسط یک ارکستر امریکائی در اروپا اجرا میشد با استقبال فراوان روبرو شد. ارکستر جدید «فیلارمونیک سنفونی نیویورک» مسافرت تاریخی خود را

به اروپا در سال ۱۹۳۰

و زیر نظر توسکانینی انجام داد و ضمن بیست و سه کنسرت در پایتختها و شهرهای بزرگ اروپا موفقیتی درخشان کسب کرد.

توسکانینی چهل و سه سال گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

بطور منظم با این ارکستر همکاری داشت و پس از وی رهبران بزرگی مانند

«جان بار پیرولی» و «ردزینکسی»، «برنو والتر» هر یک چندسالی

رهبر ثابت و مدیر هنری ارکستر بودند و در این ضمن

رهبران عالیقدری همچون «سرژ کوسویتسکی»

«سرژ کوسویتسکی»

دیپتیری متروپولیس



«لئوپولد استاگوسکی» «فریتز رایشر» «دیمیتری میتراپولوس» «چارلز مونچ» و «ژرژ سل» بعنوان رهبر مهمان، ارکستر را رهبری نموده اند تا آنکه در سال ۱۹۵۱ دیمیتری میتراپولوس رهبر ثابت و مدیر هنری ارکستر شد و هنوز در این سمت باقیست.

ارکستر «فیلارمونیک سنفونی نیویورک» در سال ۱۹۵۱ برای اجرای چهار کنسرت بر رهبری میتراپولوس و پرو نووالتر به فستیوال ادینبورگ در انگلستان فرا خوانده شد و این دعوت در سال ۱۹۵۵ نیز تکرار گردید. این بار میتراپولوس با همکاری سل و «گیدو کانتلی» ارکستر را رهبری می‌کردند و

«لئونارد برنشتین»

پس از اجرای شش کنسرت

در ادینبورگ یکرشته

کنسرت موفقیت آمیز هم

در سایر شهرهای بزرگ

اروپا داشتند.

امروز معاونت میتراپولوس

در رهبری ارکستر بزرگ

فیلارمونیک سنفونی -

نیویورک به پیانیست و

آهنگساز و رهبر ارکستر

جوان امریکائی لئونارد

برنشتین (L. Bernstein)

واگذار شده است: وی

نمونه برجسته ای از

هنرمندان نسل جوان امریکا

است و بیشک آینده ای

درخشانتر در انتظار دارد.

این بود شمه ای از

از آنچه، از بدو تاسیس

تا کنون، بر کهنسالترین

ارکستر امریکا گذشته

است.



و اما ارکسترهای بزرگ درجه یک دیگر :  
 «ارکستر سنفونیک بوستون» که سال ۱۸۸۱ تاسیس گردیده است  
 امروز از بهترین ارکسترهای جهانست و مدتها زیر نظر رهبر فقید سرژ -  
 کوسویتسکی اداره میشد پس از وی چندی نیز پیرمونتو ( P. Monteux )  
 رهبر فرانسوی بجای وی منصوب شد و اکنون رهبر عالیقدر دیگر فرانسوی



«فریتز راینر»

چارلز مونچ مدیر هنری این ارکستر میباشد. ارکستر سنفونیک بوستون در

تابستان سال گذشته به عنوان نخستین ارکستر امریکائی مسافرتی برای یگروشته کنسرت به کشور اتحاد جماهیر شوروی تموده و موقیتی بینظیر کسب کرد.

«ارکستر سنفونیک شیکاگو» همانطور که قبلاً گفته شد در سال ۱۸۹۱ بوسیلهٔ تئودور توماس بنیان گذاری شد و پس از وی رهبران معروف هر یک مدتی آن را اداره کرده اند و از آنجمله «رافائل کو بلیک» چهار سال متصدی رهبری این ارکستر بود. امروز ارکستر سنفونیک شیکاگو که بوسیلهٔ موسیقیدان مجرب و هنرمند فریتز راینر رهبری میشود اعتبار و اهمیت بی نظیری یافته است.

«ارکستر فیلا دلفی» که در زیبایی سونوریت و لطافت اجرای قطعات بزرگ سنفونیک دژ دنیا بی مانند است در سال ۱۹۰۰ تاسیس شد و پس از آنکه مدتها لئوپولد استا کوسکی آنرا رهبری میکرد امروز اداره آن به دست با کفایت هنرمند بزرگ «یوجین اورماندی» سپرده شده است.

«ارکستر سینفونی آف دی ایر» همان ارکستر سابق N . B . C است که چنانکه قبلاً اشاره شد در سال ۱۹۳۷ برای پخش برنامه های سنفونیک از ایستگاه رادیوئی N . B . C تشکیل گردید و رهبری آن به توسکانینی واگذار شد. پس از کناره گیری استاد بزرگ از کار، برنامه های کنسرت ارکستر N . B . C مدتی تعطیل شد و چندی بعد نوازندگان ارکستر که از بهترین هنرمندان امریکا و دیگر کشورهای جهان بودند مجدداً بدور هم جمع شدند و چون نمیخواستند پس از توسکانینی رهبری داشته باشند تصمیم به اجرای يك رشته کنسرت بی رهبر گرفتند. این آزمایش با آنکه بسیار مورد استقبال قرار گرفت نتوانست موقیت نهائی داشته باشد. این ارکستر امروز «سینفونی آف دی ایر» نام گرفته است و با آنکه رهبران بزرگ و مشهور هر يك چند کنسرت آن را رهبری میکنند هنوز رهبر ثابتی ندارد.

در میان ارکسترهای بزرگ دیگر امریکائی نیز ارکسترهایی که معروفیت جهانی دارند و مورد احترام فراوان محافل هنری اروپا میباشد بسیارند و

از آن جمله میتوان ارکسترهای سنفونیک کلیولند و مینیا پولیس را نام برد . ارکستر میناپولیس درخود امریکا بعنوان تنها ارکستر بزرگی که بیش از هر ارکستر دیگر در داخل امریکا مسافرت کرده شناخته شده است . رهبر این ارکستر اکنون آنتال دوراتی (Antal Dorati) است و وی با برنامه های جالبی که ضمن مسافرت با ارکستر بنقاط مختلف جهان نیز اجرا کرده اعتبار و ارزش خاصی برای این ارکستر فراهم نموده است .

پیشرفت سریع ارکستر جوان « فاشنل سینفنی واشنگتن » نیز بسیار شایان توجه است . این ارکستر که بیش از ۲۶ سال از تأسیس آن نمیگذرد امروز



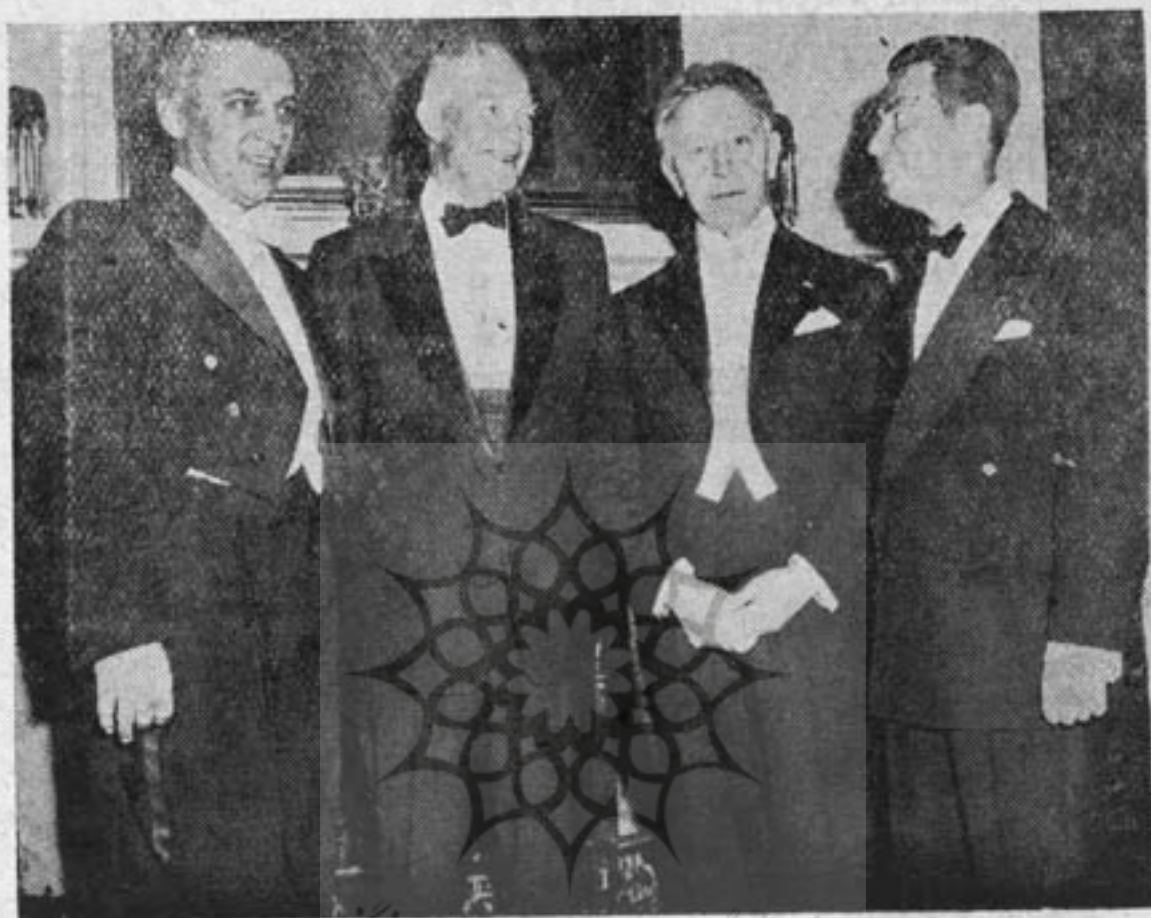
HOWARD MITCHELL  
Music Director  
NATIONAL SYMPHONY ORCHESTRA

« هوارد میچل »

در ردیف ارکسترهای بزرگ درجه دوم امریکا است و این پیشرفت فوق العاده مخصوصاً در ظرف ۹ سال اخیر یعنی از زمانی که « هوارد میچل » (Howard Mitchell) موسیقیدان جوان امریکائی رهبری فاشنل سنفنی را برعهده گرفته نصیب ارکستر شده است . هوارد میچل پس از آن که ۱۷ سال نوازنده ویلن سل اول در همین ارکستر بود بر رهبری رسید و بی تردید ارکستر فاشنل سینفنی در پرتو

رهبری خردمندانه وی آینده ای بس درخشانتر خواهد داشت .

هوارد میچل مردی ورزشکار و ورزش دوست است و روزگاری  
در بازی گلف بیایه قهرمانی رسیده بود و اکنون نیز هر گاه مجال بیاید  
به سراغ یار دیرین می‌رود ...



شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
«رابرت راجرز» آهنگساز، «آرتور روینشتین» پیانیست، «آیزنهاور» رئیس  
جمهور آمریکا و «هوارد میچل» .

دیدن هوارد میچل با اندام ورزیده و حرکات چاپک مرا بی اختیار بیاد  
برخی از هنرمندان هم میهنم می‌انداخت که لاغری و رنجوری را لازمه هنرمندی  
میدانند و اگر احیاناً ناتی سالم دارند بدست خود تیشه بریشه سلامت خویش میزنند!

دنباله و پایان در شماره آینده